

تبیین جایگاه تربیت اخلاقی در تدریس و متون آموزشی

سیدمحمدرضا وحدتی شبیری *

چکیده

تربیت و اخلاق، دو مقوله‌ی جدا از هم و هر یک علمی مستقل است که رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند و دارای تأثیر متقابل‌اند. تربیت اخلاقی، پرورش روح انسان در مسیر پایبندی به بایدها و نبایدهای اخلاق و اهتمام به اکتساب فضایل و پرهیز از رذایل، به منظور رسیدن به سعادت و درک لذت‌های نامحدود و پایدار است. کودکان و نوجوانان از نخستین روزی که پا به عرصه‌ی تحصیل می‌گذارند، فرصت طلایی تربیت‌پذیری‌شان آغاز می‌شود و تا آخرین لحظه‌ی دانش‌آموختگی در مقاطع عالی ادامه دارد.

آنچه هم‌اکنون، در مراکز آموزشی جریان دارد، تعلیم مستقیم اخلاق و معلومات دینی است، نه تربیت اخلاقی. نظام آموزشی اخلاق نیازمند بازبینی و اصلاح می‌باشد، ولی افزون بر آن باید برای تربیت اخلاقی نوجوانان و جوانان، که مستقل از آموزش دانش اخلاق است، طرحی نو ریخت.

در تدریس دانش اخلاق، از تعلیم مستقیم بسان دیگر آموزش‌های علمی‌گزیری نیست، ولی در اخلاقی، تنها روش غیرمستقیم کارآیی دارد.

اصلی‌ترین شرط موفقیت معلم اخلاق و مربی جامعه، تأدیب و تربیت خودش می‌باشد و تربیت دیگران باید به عمل و کردار باشد، نه فقط گفتار.

واژگان کلیدی: تعلیم، تربیت، تربیت مستقیم، تربیت غیرمستقیم، اخلاق، تربیت اخلاقی.

* کارشناس ارشد اخلاق و همکار علمی جامعه‌المصطفی.

مقدمه

انسان فطرتاً جو یای سعادت و کمال است و سعادت را چون لذت پایدار است، نمی‌توان در امور مادی فناپذیر جست‌وجو کرد. ادله‌ی قرآنی و روایی، وصول به سعادت را تنها در گرو تربیت مبتنی بر علم و آگاهی معرفی می‌کند. در این صورت، چیستی تربیت و رابطه‌ی آن با تعلیم، موقعیت مناسب زمانی و مکانی، شیوه‌ی نافذ و مؤثر برای تربیت، فرق تعلیم اخلاق با تربیت اخلاقی، پرسش‌هایی هستند که پاسخ مقبول و مستند به آنها، لزوم تحول در شیوه‌های تدریس و اصلاح محتوایی متون آموزشی اخلاق و نیز برنامه‌ریزی صحیح برای تربیت اخلاقی را به اثبات می‌رساند.

تاکنون، درباره‌ی هریک از مسئله‌های اشاره‌شده تحقیقات جداگانه‌ای انجام شده است، ولی هنوز جای خالی بحث تلفیقی، که نتیجه‌ی آن ما را به ضرورت اعمال مستمر تربیت اخلاقی در فصول درسی و در همه‌ی مراحل و مقاطع نظام آموزشی برساند، کاملاً احساس می‌شود. هدف این پژوهش، اثبات این نیاز و آغازی برای پژوهش‌های گسترده‌تر در این زمینه است. این مبحث تحت شش عنوان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفاهیم اصلی

بازشناسی مفاهیم تعلیم، تربیت و اخلاق و وجه تمایز آنها، پیش از ورود به اصل بحث، پیش‌درآمدی است که توجه به آن، در روان‌سازی پی‌گیری و نتیجه‌گیری از مبحث تأثیر بسزایی دارد؛ از این رو، ابتدا، به سخنی کوتاه در این باره می‌پردازیم:

۱-۱. مفهوم علم و تعلیم

علم به معنای عام لغوی، مطلق دانایی است در برابر جهل که مطلق نادانی و ندانستن می‌باشد و گستره‌ی این معنا تمام پدیده‌های موجود در جهان آفرینش را شامل می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت که تعلیم، تبیین و شناساندن واقعیت‌های عالم خلقت و روابط حاکم بین آنهاست. بدیهی است که به این معنا، مسائل و موضوعات تربیتی و اخلاقی نیز زیر چتر مفهوم علم قرار می‌گیرند و علم دانستن هر یک، درست و حقیقی است.

۱-۲-۱. تربیت و اخلاق

اندیشمندان پیشین این دو واژه را حقیقتی واحد می‌پنداشتند و تربیت را تنها در پرتو اخلاق محقق برمی‌شمردند. از دیدگاه آنان، تربیت، محصول تعلم و به‌کارگیری مسائل و موضوعات اخلاقی است، ولی، امروزه، تربیت و اخلاق، جدا از هم و هر یک علمی مستقل است که رابطه‌ای تنگاتنگ با هم داشته، دارای تأثیر متقابل‌اند؛ از این رو، لازم است مفاهیم هر یک را جداگانه و مفهوم مرکب آن دو، یعنی تربیت اخلاقی را چنان که اشاره می‌شود، بشناسیم.

۱-۲-۱. مفهوم تربیت

تربیت، به منصفی ظهور رساندن توانایی‌های بالقوه است که به معنای عام کلمه، شامل همه‌ی جانداران می‌شود و در انسان، پرورش دادن استعدادها و عالی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های پنهان اوست. در تعریف تربیت گفته‌اند: «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند».^۲

۱-۲-۲. مفهوم اخلاق

اخلاق، مجموعه صفات پایدار در نفس است که به افعال اختیاری انسان مربوط می‌گردد و به خوب یا بد متصف می‌شود. با تفکیک و استقلالی که تربیت و اخلاق از یکدیگر پیدا کرده‌اند، باز هم وجود نقطه‌ی مشترک آنها را به سختی به یکدیگر پیوند می‌دهد و آن غایت و هدفی است که هر دو دارند و فراگیران در هر دو زمینه مترصد نیل به آن هدف‌اند که چیزی جز سعادت نیست.

۱-۲-۳. تربیت اخلاقی

با توجه به تعریفی که از اخلاق و تربیت ارائه شد، می‌توان گفت که تربیت اخلاقی، پرورش روح انسان در مسیر پایبندی به بایدها و نبایدهای اخلاق، یعنی صفات نفسانی و افعال

۲. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۲۷.

اختیاری است که به نیک و بد متّصف می‌شوند و اهتمام به اکتساب فضایل و پرهیز از رذایل، به منظور رسیدن به سعادت و درک لذت‌های نامحدود و پایدار.

۲. هدف از تعلیم و تربیت

چنانکه در مقدمه اشاره شد، کمال‌طلبی انسان، فطری است و تعلیم و تربیت، نردبان پایه‌ای که از آن برای صعود به بلندای قلّه‌ی سعادت و کمال استفاده می‌کند. البته تعریف سعادت در دو رویکرد دینی و غیردینی فرق دارد؛ در رویکرد مادی، با علم و عقل منهای تربیت اخلاقی و الهی، می‌توان به سعادت رسید، چون در این رویکرد، هر لذتی سعادت است و برای درک هر لذتی، فراگیری دانش و اتصاف به اخلاق به همان اندازه از صفات و در همان مقدار از زمان که انسان را به لذت مادی برساند، اکتفا می‌شود. نظریه‌ی مادی‌گرایان از این نظر مقبول نیست که لذات مادی، فناپذیرند و آنچه فانی است، نه سعادت و کمالی است که مطلوب فطری انسان و هدف غایی از آفرینش و حیات بشر می‌باشد.

از منظر جهان‌بینی توحیدی، ترجمان حقیقی سعادت، لذت پایدار اخروی است که جز با تقرب به خداوند نمی‌توان به آن دست یافت و زمانی انسان به مبدأ هستی تقرب می‌یابد که تمام وجود او، پیوسته، شایستگی درک لذت پایدار را به دست آورده باشد و به تعبیر مرحوم نراقی، «سعادت حاصل نمی‌شود، مگر به اصلاح جمیع صفات و قوا دایماً، نه اصلاح بعضی از صفات در بعضی از اوقات».^۳ درک لذت دایمی، تعلیم و تربیت دایمی لازم دارد.

۳. رابطه‌ی تعلیم و تربیت

تعلیم به معنای لغوی، آموزش دادن است. آموزگار، انتقال‌دهنده‌ی معلومات، متعلم، فراگیر و ذهن و حافظه‌ی او خزانه‌ی نگه‌داری اطلاعات معینی است، ولی اگر قرار بود در حوزه‌ی تعلیم و تعلم به همین مقدار اکتفا شود، شاهد هیچ توسعه‌ی علمی در هیچ زمینه‌ای در حیات بشر نبودیم و جوامع علمی دچار ایستایی و رکود ملال‌آوری بودند، در حالی که

۳. نراقی، محمد مهدی، جامع‌السعادات، ج ۱، ص ۶۰: «لاحصل السعادة الا باصلاح جمیع الصفات والقوی دائماً فلا تحصل باصلاحها بعضاً دون بعض، ووقتاً دون وقت».

واقعیت‌های موجود از رشد و گسترش دامنه‌ی علوم در تمام رشته‌ها و گرایش‌ها، بلکه تشعب و تفکیک برخی دانش‌ها و تأسیس رشته‌های جدید علمی حکایت می‌کنند و این نشان‌دهنده‌ی حقیقت عظیم دیگری است که در متون مستحکم اسلامی از آن به تعقل و تفکر، یعنی پرورش فکر و عقل، یاد شده است.

با این توضیح به جرئت می‌توان گفت که ارزش علم، به تربیت و پرورش عقل و فکر است، به گونه‌ای که با پردازش معلوماتی که دریافت می‌کند، برخی مجهولات را نیز به معلوم تبدیل نماید و باب‌های جدیدی به روی خود بگشاید و به این ترتیب، نیروی ابتکار و استعداد خلاقیت او شکوفا گردد و ظرفیت حافظه‌اش پیوسته افزایش یابد. تنها در این صورت، علوم توسعه یافته، عقل و فکر، کارگاه تولید علم می‌شود. استحصال از این کارگاه، منوط است به رساندن مواد اولیه به آن، یعنی معلومات ابتدایی، که به وسیله‌ی متون درسی و با تلاش آموزگار در آن جای می‌گیرد.

البته باید توجه داشت که پرورش عقل و فکر به منظور توسعه‌ی علوم عقلی، تجربی و مادی نیز همانند علوم دینی و معنوی، چنانچه در مسیر کمال انسان و سعادت وی صورت گیرد، ارزش به شمار می‌رود و این فقط در سایه‌ی تربیت اخلاقی تحقق می‌یابد. پس تربیت عقل و فکر هم به این معنا، یکی از شعب تربیت اخلاقی است و در هر حال تعلیم بر تربیت تقدم زمانی دارد، ولی از حیث رتبه و درجه‌ی اهمیت، پس از تربیت قرار می‌گیرد. شاید به همین دلیل، در قرآن کریم از چهار آیه‌ای که در آنها، تعلیم و تربیت در کنار هم به کار رفته، تنها در یک آیه، تعلیم بر تربیت مقدم گردیده و در سه آیه دیگر، تربیت بر تعلیم تقدم یافته است.^۴

۴. قرآن کریم، آیات:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. (جمعه: ۲)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. (آل عمران: ۱۶۴)

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مِمَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ. (بقره: ۱۵۱)

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (بقره: ۱۲۹)

۴. فرصت‌شناسی

از نظر نویسنده‌ی این مقاله، احراز نیاز جامعه به حاکمیت تربیت اخلاقی و این که جز به تربیت افراد آن محقق نمی‌شود، مفروغ‌عنه است. آنچه درصدد بیان آن هستیم، بررسی شیوه‌ی تربیت و اعمال آن در ادوار ارزشمندی از عمر است که ماندگاری آثار و تأثیرپذیری افراد را در بهترین وضعیت قرار می‌دهد.

انسان فطرتاً جو‌یای سعادت و سعادت، مطلق و نه نسبی است و اختصاص به فردی دون فرد و زمانی دون زمان ندارد و این نکته، حکایت از لزوم دوام و استمرار فعالیت‌های تربیتی می‌کند، ولی چنانکه اشاره شد، تربیت، شکوفا کردن استعداد‌های انسان است و استعدادهای آدمی در مقایسه با دوران‌های مختلف زندگی، از مقوله‌ی تشکیک و دارای شدت و ضعف است که ضرورت فرصت‌شناسی در تربیت را آشکار می‌سازد.

به توصیه‌ی پیشوایان معصوم^۵، آغاز دوره‌ی نوجوانی و جوانی، بهترین دوران برای پرورش استعداد‌های انسان در همه‌ی زمینه‌هاست. در این اوان، شرایط درونی و برونی برای تربیت کاملاً مناسب می‌باشد، زیرا به فرموده‌ی امام امیرمؤمنان^۷، قلب نوجوان مانند زمین بگری است که خالی و آماده‌ی کشت و پذیرای هرگونه بذری -از خوب و بد- می‌باشد.^۵ این فصل از زندگی، فصل بهار روح است که شکوفه‌های استعداد و لیاقت‌های او در نهایت لطافت و پاکی خودنمایی می‌کنند و اقتضای این شرایط، آسیب‌پذیری شدیدی است که کنترل و مراقبت جدی و آگاهانه‌ی مربیان را در دوران رشد می‌طلبد و بی‌تردید، غفلت و بی‌توجهی آنان، از بارور شدن ظرفیت‌های روح جوان، جلوگیری کرده، آن را به نهال بی‌ثمیری تبدیل خواهد ساخت؛ از این رو، امام علی^۷ در ادامه‌ی سخنانشان خطاب به فرزند برومندشان، امام مجتبی^۷، می‌فرمایند: «اقدام به تأدیب و تربیت در نوجوانی نمودم، پیش از آن که دلت سخت گردد».^۶

چون در همین دوره و به همین دلیل، افراد به محیط‌های تعلیم و تعلم روی می‌آورند و حافظه‌ی خالی آنان از یافته‌های علمی پر می‌شود، چنانچه به پرورش عقل آنها توجهی

۵. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۳۱.... انماقلب الحدیث کالارض الخالیه، ماالقی فیها من شیئ قبلته.

۶. همان، فبادرتک بالادب قبل ان یقسو قلبک.

نگردد، نیروی تفکر (خلافت و نوآوری)، که آفریدگار توانا در نهاد همه‌ی انسان‌های سالم به ودیعت نهاده است، در وجود آنان خنثی گشته، فقط حامل و ناقل معلومات می‌شوند و چنانچه در این اوان از تربیت اخلاقی آنان، که در حقیقت جهت دادن به تحصیل دانش در مسیر کمال و سعادت است، غفلت شود، این نهال نوپا در معرض وزش بادهای مسموم، از مسیر درست فطرتش منحرف می‌گردد.

در این زمینه، امام صادق 7 هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «فرزندان خود را پیش از آن که آنان را گمراه سازند، با حدیث آشنا سازید».^۷ امام خمینی ؛ علم بدون تربیت را به پرده‌ی تاریکی‌ها تشبیه می‌کنند که روی فطرت را می‌پوشاند: «هر چه این مفاهیم در قلب سیاه و غیرمهدب انباشته گردد، حجاب زیاده‌تر می‌شود. در نفسی که مهدب نشده، علم حجاب ظلمانی است: العلم هو الحجاب الاکبر! لذا شرّ عالم فاسد برای اسلام از همه‌ی شرور خطرناک‌تر و بیشتر است. علم، نور است، ولی در دل سیاه و قلب فاسد، دامنه‌ی ظلمت و سیاهی را گسترده‌تر می‌سازد».^۸

نیاز به اخلاق و پرستش، از جمله نیازهای فطری است که اگر آموزگاران دینی و مربیان تربیتی برای تأمین آنها به موقع اقدام نکنند، همان خواهد شد که امام صادق 7 فرمودند یا آن خواهد شد که مقام معظم رهبری > در بیاناتشان هشدار داده‌اند.^۹ پس به حکم

۷. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری: بادر او اولادکم بالحديث قبل ان یسبقکم الیهم المرئنه؛ فی بعض النسخ (بادر او احداثکم).

۸. خمینی، سیدروح‌الله، جهاد/کبر، اهمیت تهذیب و تزکیه نفس.

۹. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری >، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب، فضلا و استادان حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹: «آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود، همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد... کسانی که رشته‌های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه‌ی دنیا این جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان‌ها را بی‌حوصله می‌کند، جوان‌ها را افسرده می‌کند. در چنین وضعی، دستگیر جوان‌ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت این که می‌بینید عرفان‌های کاذب رشد پیدا می‌کند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین نیاز است.

وظیفه، باید از این فرصت طلایی بیشترین و بهترین بهره‌برداری صورت گرفته، مربیان دلسوز و آگاه، همگام با تجهیز متعلم به سلاح دانش، به پرورش عقل و فکر وی همت گماشته، با تربیت صحیح اخلاقی، زمینه‌ی کمال و سعادت وی را فراهم و تقویت نمایند. از جمله ویژگی‌های این دوره‌ی زمانی، رسوخ دریافت‌های علمی و تربیتی در اعماق جان و روح اوست که سبب ماندگاری و کاهش حداکثری میزان آسیب‌پذیری آنها و در نتیجه، تأثیر بیشتر در سازندگی شخصیت معنوی انسان می‌شود؛ به همین دلیل، در کلام معصومان :
توصیه‌ی مؤکد به فراگیری دانش در کودکی و نوجوانی شده است.^{۱۰} تربیت نیز چنین است؛ پرورش روح لطیف نوجوان به هر کیفیتی، افزون بر سهولت و روانی تربیت، آثار ماندگارتری در مقایسه با سنین بالاتر دارد. توصیه‌ی صاحبان اندیشه به این مهم از این روست.^{۱۱}
طبیعی است که لایه‌های عمیق ذهن جوان، تا زمانی که زنگار نگرفته، در مقایسه با انسان میانسال یا کهنسالی که قوای ادراکی‌اش رو به تحلیل است و شاید ذهن او به مطالب خرافی و انحرافی آلوده گردیده است، تأثیرپذیری سهل‌تری دارد. در نتیجه، کودکان و نوجوانان از نخستین روزی که پا به عرصه‌ی تحصیل می‌گذارند، فرصت طلایی تربیت‌پذیری‌شان آغاز می‌شود و تا آخرین لحظه‌ی دانش‌آموختگی در مقاطع عالی ادامه دارد و البته در حال پیمودن مسیر شیب‌داری هستند که هرچه زمان را پشت سر می‌گذارند و بالاتر می‌روند، سیر آنان دشوارتر می‌شود.

۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴؛ کنز الکرّاجی: قال امیرالمؤمنین ۷: «العلم من الصغر کالنقش فی الحجر».

۱۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، آرشیو بیانات، بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه (۱۳۹۰/۷/۲۰): مقام معظم رهبری در بیاناتی خطاب به گروهی از روحانیون در مقام توصیه به تهذیب و تزکیه‌ی نفس خود به عنوان روحانی و نیز تأکید به اتخاذ شیوه‌ی مؤثر تربیتی، به اعتبار این که مربیان جامعه هستند، می‌فرمایند: «... اگر کسی در دوران جوانی کاری کرده باشد، به دردش می‌خورد، والا کارش سخت است. خشیت را امروز در خودتان ایجاد کنید؛ خشوع در مقابل خدا را امروز برای خودتان فراهم کنید؛ باب تضرع الی‌الله را امروز باز کنید؛ نوافل را، که مقرّب الی‌الله هستند، از امروز شروع کنید؛ اینها به دردتان می‌خورد. این عمر که تمام خواهد شد؛..... اگر بناست در این فاصله‌ی کوتاه، در این فرصت اندک، حظّی ببریم، کاری بکنیم، توشه‌ای فراهم کنیم، مایه‌اش را باید در جوانی فراهم کنید... به قدر تعلیم، یا شاید بیش از تعلیم، به تربیت بیندیشید... در لایه‌های عمیق ذهن مخاطب اثر بگذارید. اکتفا نکنید به این که احساسات او یا عواطف او جلب شد، راضی بشوید؛ نه، سعی کنید در آن لایه‌های عمیق ذهن اثر بگذارید تا با حوادث گوناگون از دست نرود».

۵. شیوهی مؤثر در تربیت^{۱۲}

بیشتر روش‌های متداول در تعلیم علوم و فنون، مبتنی بر آموزش مستقیم است، زیرا از سویی، گستردگی و تنوع شاخه‌های مختلف علوم عقلی، نقلی، طبیعی و... و از سوی دیگر، فرصت کوتاه عمر انسان برای یادگیری، چاره‌ای جز آموزش مستقیم در تعلیم باقی نگذاشته است. در این روش، مسائل و موضوعات علمی در قالب متون درسی، با سخنرانی معلم و استاد، رودرروی دانش‌آموز و در کلاس درس به وی منتقل می‌شود. آموزش مستقیم با ویژگی‌هایش، برای تعلیم مسائل و موضوعات علمی و حتی آموزش اخلاق، شاید بهترین روش باشد، چون استفاده‌ی حداکثری از زمان یادگیری دانش‌آموز، از ویژگی‌های این روش به شمار می‌رود و معلم با تدریس، جهت‌دهی و کنترل شاگردان، بیشترین مسئولیت و فعالیت را به عهده می‌گیرد و بیشتر فعالیت وی جنبه‌ی کلامی دارد و به همین دلیل، آن را روش سخنرانی هم می‌گویند.

با این حال، در تربیت، که متربی باید مسئولیت بپذیرد و از گفتار و رفتار مربی الگو بگیرد و با او ارتباط عمیق‌تری پیدا کند، فراگیری باید بیشتر جنبه‌ی مشاوره داشته باشد تا سخنرانی، عملی باشد تا تئوری، تدریجی باشد تا دفعی، غیررسمی و فارغ از تشریفات باشد تا رسمی، غیرمحدود به زمان و مکان باشد تا منحصر به کلاس درس. اینها مهم‌ترین ویژگی‌های آموزش غیرمستقیم می‌باشد که آن را از درجه‌ی تأثیرگذاری بسیار بالاتری در مقایسه با آموزش مستقیم برخوردار می‌کند. *م‌انسانی و مطالعات فرهنگی*
تربیت باید تدریجی و مستمر صورت بگیرد تا در لایه‌های عمیق ذهن متربی نفوذ کند. این ویژگی در آموزش غیرمستقیم وجود دارد که از نظر استمرار، پیوستگی و زمان‌بر بودن آن، آثار ماندگاری از خود به جای می‌گذارد، ولی اگر محدود به زمان معین باشد و فقط در قالب ساعات درسی خاص صورت بگیرد و نتیجه هم بدهد، بیشتر نتیجه‌ای پایدار و مداوم

۱۲. در بحث تربیت اخلاقی، شیوه‌ی تربیت از جهات گوناگونی مورد تقسیم قرار می‌گیرد؛ گاهی، به خودتربیتی و دیگر تربیتی و گاه به ایجابی و بازدارنده، گاهی به عام (برای همه‌ی مراحل سنی) و خاص و گاهی با توجه به مبادی رفتار به روش‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری تقسیم می‌شود. در این مقاله، با عنایت به مبتنی بودن تربیت بر تعلیم و کاربرد دو روش مورد بحث در تعلیم، تربیت را در شیوه‌ی مستقیم و غیرمستقیم بررسی کرده‌ایم.

نخواهد داشت. به همین دلیل، می‌گویند مدرسه ممکن است تعطیل شود، ولی تربیت نباید تعطیلی داشته باشد.

برخی، مراحل مؤثر در تربیت را از پیش از تولد دسته‌بندی می‌کنند.^{۱۳} حداقل تربیت آن است که امام خمینی؛ در یکی از سخنرانی‌هایشان به آن اشاره فرموده‌اند که تربیت باید از کودکی آغاز شود و تا آخر عمر ادامه یابد.^{۱۴} امام صادق 7، در روایتی، در پاسخ پرسشی درباره‌ی حکمت‌های لقمان، نصایح او را به فرزندش نقل می‌فرمایند که وی را به ادب‌آموزی و تربیت در کودکی و استمرار و دوام آن تا حد عادت توصیه می‌نماید.^{۱۵}

استادان کلاس‌های اخلاق آن گاه که وارد بحث اخلاق کاربردی و مصادیق رفتار نیک می‌شوند، هرچند هم تلاش کنند که به مباحث خود صبغه‌ی تربیتی بدهند، باز هم بیشتر فراگیران بیش از آن که به اصلاح و تطبیق رفتار خود با آموزه‌ها بیندیشند، به ضبط و حفظ آنها فکر می‌کنند، زیرا کلاس آموزش اخلاق در زمان‌های معینی تشکیل شده و استاد، استاد اخلاق است که در مقام عمل به حرفه‌ی خویش می‌باشد.

حال اگر کلاس مزبور، برای نمونه، کلاس درس محیط زیست، مدیریت بازرگانی، ارتباطات یا هر درس تخصصی دیگری باشد و در هر فصلی از متون این دروس، یک پیام اخلاقی و تربیتی، متناسب با موضوع درس درج شود و از زبان استاد و مدرس مربوط، به صورت

۱۳. امام خمینی؛ نیز به مراحل تربیت پیش از انعقاد نطفه توجه داده‌اند: صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۳.
۱۴. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۱۰۲: «تربیت‌ها باید از اول باشد؛ انسان از همان کودکی تحت تربیت قرار بگیرد و بعد هم در هر جا که هست، یک مربی‌هایی باشند که تربیت کنند انسان را و تا آخر عمر هم انسان محتاج به این است که تربیت بشود».

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۱.

یا بنی این تأدب صغیرا انتفعت به کبیرا، ومن عنی بالأدب اهتم به، ومن اهتم به تکلف علمه، ومن تکلف علمه اشد له طلبه، ومن اشد له طلبه أدرک منفعته فاتخذه عادة، فإنک تخلف فی سلفک، و تنتفع به من خلفک، و یرتجیک فیه راغب، و یخشی صولتک راهب و ایاک و الکسل عنه والطلب بغیره؛

فرزندم اگر در کودکی ادب آموختی، در بزرگی از آن بهره خواهی برد. هر که جوایب ادب و معرفت باشد، در راه آن اهتمام می‌ورزد و هر که در این راه بکوشد، برای ادب‌آموزی خود را به رنج و سختی اندازد، و هر کسی چنین کند، در جست‌وجوی ادب و معرفت شوق و همت والا پیدا می‌کند و چون بدین گونه باشد، سود آن را دریابد. فرزندم، تربیت را خلق و عادت همیشگی خود قرار ده، زیرا تو جانشین گذشتگان و الگوی آیندگان هستی که از ادب تو بهره‌مند خواهند شد. راغبان چشم امید به ادب تو دارند و خائفان از صولت و حشمتت هراسان‌اند.

مشاوره مطرح و القا شود و مشاوره‌ها در دوران تحصیل ادامه یابد، چون جنبه‌ی رسمی ندارد، فاقد تشریفات درس تخصصی است و در همه‌ی دروس پیام‌رسانی می‌شود، مخاطب آن را به گوش جان دریافت می‌کند و نخستین واکنشی که در نفسش پدید می‌آید، مقایسه‌ی رفتار خویش با پیام دریافتی است.

مربی با در پیش گرفتن این روش، به معنای واقعی به تربیتِ مرتبی پرداخته است، زیرا برخی از صاحب‌نظران معتقدند که وظیفه‌ی مربی فقط ارائه‌ی طریق و فراهم کردن زمینه‌ها و شرایط و عوامل است و مربی باید استعدادهايش را شکوفا نماید.^{۱۶}

معمولاً دانشجوی و دانش‌آموز در محیط‌های آموزشی به استادان دروس تخصصی وابسته می‌شود و سخن اخلاقی را از آنان بهتر می‌پذیرد، چه او را در مقام داوری میان خوب و بد بی‌طرف می‌نگرد، به ویژه اگر رفتار او با گفتارش یکی باشد. سیره‌ی دانشمندان بزرگ تاریخ اسلام، دلیل خوبی بر درستی این مدعاست.

امام خمینی ؛ معلم فقه و اصول بودند. با این حال، به شهادت شاگردان ایشان، هیچ‌گاه، دروس آن عالم اندیشمند خالی از پیام‌های اخلاقی و تربیتی نبود. البته خودساختگی و مهذب بودن ایشان بر کسی پوشیده نیست. برخاستن علمای بزرگی که هر یک منشأ خدمات علمی و فرهنگی ارزشمندی در جامعه‌ی شیعه و حوزه‌های علمیه بوده‌اند، از حوزه‌ی درسی امام فقید، نشان‌دهنده‌ی اثربخش بودن تلاش‌های علمی و تربیت‌های مستمر و غیرمستقیم ایشان است. روش تربیت اخلاقی از دیدگاه اندیشمند بزرگی مانند امام ؛ که همراهی تربیت را قدم به قدم با آموزش علم لازم می‌دانستند، موضع ما را تقویت می‌کند. امام ؛ معتقد بودند: «من نمی‌گویم درس نخوانید، تحصیل نکنید؛ باید توجه داشته باشید که اگر بخواهید عضو مفید و مؤثری برای اسلام و جامعه باشید، ملتی را رهبری کرده، به اسلام متوجه سازید، از اساس اسلام دفاع کنید. لازم است پایه‌ی فقاقت را تحکیم کرده، صاحب‌نظر باشید؛ اگر خدای نخواستہ درس نخوانید، حرام است در مدرسه بمانید؛ نمی‌توانید

۱۶. امینی، ابراهیم، *تعلیم و تربیت در اسلام*، ص ۲۴: «مربی انسان با استفاده از شیوه‌های تربیتی، همه‌ی امکانات و شرایط لازم را برای پرورش شخص مورد تربیت فراهم می‌سازد تا فرد، خود راه خویش را بیابد و استعدادهای نهفته را پرورش داده، به فعلیت رساند».

از حقوق شرعی محصلین علوم اسلامی استفاده کنید؛ البته تحصیل علم لازم است، منتها همان طور که در مسائل فقهی و اصولی زحمت می‌کشید، در راه اصلاح خود نیز کوشش کنید. هر قدمی که برای تحصیل علم برمی‌دارید، قدمی هم برای کوبیدن خواسته‌های نفسانی، تقویت قوای روحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات و تقوا بردارید.^{۱۷}

لازم است که معلم، فردی آراسته به محاسن اخلاق و مظهر عمل به آن پیام باشد که این هم شرطی دیگر، بلکه رکنی از ارکان وثیق تربیت است، زیرا مربی غیرعامل، پیام خود را نه بر جان متربی، که بر سطح لغزنده‌ای می‌گذارد که حتی لحظه‌ای هم بر آن باقی نمی‌ماند؛ امام صادق 7 فرمودند: «چون عالم به علم خویش عمل نکند، موعظه‌ی او از دل‌ها می‌لغزد، چنان که باران از سنگ سخت و صاف».^{۱۸} به فرمایش امیرمؤمنان 7، تا انسان خودش را اصلاح نکند، نمی‌تواند دیگری را اصلاح نماید.^{۱۹}

برخلاف آموزش مستقیم، که بیشتر شنیداری است، روش غیرمستقیم، شنیداری و دیداری می‌باشد. آنچه در تربیت، بیشتر متربی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، رفتار مربی است که باید مؤید گفتارش باشد تا از باور قلبی و اعتقاد به آنچه درصدد انتقالش به فراگیر است، حکایت نماید و نیز اعتماد او را به صدق گفتار و صحت و حقایق تربیتش جلب نماید. بی‌جهت نیست که در اخلاق اسلامی، اصلی‌ترین شرط موفقیت آموزگار اخلاق و مربی جامعه را برخورداری وی از تأدیب و تربیت صحیح دانسته‌اند و تأکید شده است که دیگران را با عمل و کردار خود تربیت کنید، نه فقط با گفتار.^{۲۰}

۱۷. خمینی، سیدروح‌الله، *جهاد اکبر*، اهمیت تهذیب و تزکیه‌ی نفس.

۱۸. *اصول کافی*، ج ۱، کتاب فضل‌العلم، باب استعمال‌العلم، ح ۳: «ان‌العالم اذا لم‌يعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما يزل المطر عن الصفا».

۱۹. *عمر/الحکم*، ح ۸۹۹۰: «من لم‌يصلح نفسه لم‌يصلح غيره».

۲۰. البروجردی، *جامع احادیث‌الشیعه*، ج ۱۴، ص ۴۱۹، به نقل از: فیض‌الاسلام، سیدعلینقی، *نهج‌البلاغه*، ج ۷۰، ص ۱۱۰۷.

قال علی 7: «من نصب نفسه للناس اماما فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تأدیبه بسیره قبل تأدیبه بلسانه و معلم نفسه و مؤدبها أحق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم؛ کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده است، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش‌دهنده و ادب‌آموز، خود بیش از آموزگار و ادب‌آموز مردم، شایسته‌ی تجلیل است».

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد و با نگاهی اجمالی به وضعیت کنونی تربیت اخلاقی در مقاطع مختلف تحصیلی، که اخلاق را به مثابه یکی از مواد درسی در کلاس‌های مستقل و به وسیله‌ی آموزگاران ویژه‌ی دروس دینی و علوم انسانی تدریس می‌کنند، نتیجه می‌گیریم که انتظار خروجی در خور تأملی از دانش‌آموختگان متخلّق به اخلاق حسنه و مؤدّب به آداب انسانی، عقلانی و اسلامی، توقع چندان بجایی نیست، زیرا آنچه، اکنون، در این مراکز جریان دارد، تعلیم مستقیم اخلاق است، نه تربیت اخلاقی. ما، در حقیقت، در این کلاس‌ها اخلاق را به مخاطبان خود تدریس می‌کنیم تا پاره‌ای از مسائل و موضوعات دانش اخلاق را در حدّ سن و مقطع تحصیلی‌شان به آنان منتقل نماییم. اگر آموزش درست اجرا شود،^{۲۱} یکی از مهم‌ترین مبانی تربیت خواهد بود و ضرورت هم دارد، ولی تربیت نیست و ما در واقع آنها را تربیت نمی‌کنیم تا سخن از تغییر و تحول شیوه‌ی تربیت یا متون تربیتی برانیم، بلکه لازم است برای تربیت اخلاقی نوجوانان و جوانان، که مستقل از آموزش دانش اخلاق می‌باشد، طرحی نو ریخت.

هدفمند بودن سیاست‌های علمی و فرهنگی نظام اسلامی برای رفع نیاز جامعه به مدیران متخصص و متعهدی که با به دست گرفتن زمام امور کشور اسلامی در هر زمینه‌ای، مردم را به سوی کمال انسانی، ترقی و تعالی سوق داده، در نیل به سعادتشان راهبری نمایند، ایجاب می‌کند که برنامه‌ی تربیت غیرمستقیم با همه‌ی ویژگی‌های بیان‌شده، تدوین شود و هرگونه مسامحه در انجام آن، به سپردن مقدرات مردم و جامعه به دست افراد فاقد تربیت اخلاقی می‌انجامد که نتیجه‌ای جز انحراف و سقوط به دنبال نخواهد داشت که خطر بزرگی

۲۱. آنچه مزید بر علت شده، آن است که عمومی بودن این دروس افزون بر مشکلات آموزشی از قبیل تطابق نداشتن سرفصل‌ها بر شرایط خاص رشته‌های مختلف، دانش‌آموزان و دانشجویان را به اشتباه انداخته است که این دروس در مقایسه با دروس تخصصی، فرعی و کم‌اهمیت‌اند و از این رو، غالباً به فراگیری کامل مطالب و فهم و درک آنها اهتمام نمی‌ورزند، بلکه به حفظ عبارات، آن هم به قدر اکتساب نمره‌ی قبولی در آزمون بسنده می‌کنند؛ به همین دلیل، باید برای رفع مشکلات آموزشی اخلاق در متون درسی و تدریس، گامی برداشته شود، زیرا تربیت اخلاقی آن گونه که توضیح داده شد، بدون تعلیم آموزه‌های اخلاقی ممکن نیست.

است و امام راحل نیز در مواضع مختلف درباره‌اش هشدار داده‌اند.^{۲۲}

۶. نتیجه‌گیری

تدریس اخلاق اسلامی در مقاطع مختلف تحصیلی، با وجود ضروری بودن، تربیت به شمار نمی‌رود.

نظام جاری آموزش اخلاق از نظر عمومی بودن، منطبق با نیاز تمام گروه‌ها نیست و به بازمینی نیاز دارد.

تربیت متعلمین در فرایند تحصیل، مستلزم برنامه‌ریزی جامعی است که همه‌ی آموزگاران و استادان را درگیر نموده، لازم است متون همه‌ی دروس نیز متناسب با هر رشته‌ی علمی یا فنی، حاوی پیام‌های تربیتی باشد.

برنامه‌ی تربیتی همچنین باید به تهذیب نفس مریبان توجه ویژه نماید.

بر پژوهشگران دلسوز و آگاه به نیاز جامعه واجب است که با تکمیل تحقیقات خویش، به

۲۲. برای نمونه، به فراهایی از یکی از سخنرانی‌های ایشان توجه فرمایید:

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، سخنرانی ۵، سخنرانی در جمع معلمان تعلیمات دینی (اهمیت و وظایف شغل معلمی) ۱۰ بهمن ۱۳۵۹ / ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۰۱، تهران، جماران) «... این تربیت‌هاست که یک کشور را ممکن است به کمال مطلوبی که از هر جامعه‌ی انسانی است، برسانند و یک کشور، کشور انسانی باشد؛ کشور مطلوب اسلام باشد و همین تربیت‌ها یا تعلیم‌های بدون تربیت ممکن است در آن وقتی که مُقدّرات یک کشوری دست آنهاست و همه چیز کشور به دست آنهاست، کشور را به تباهی بکشند... گمان نکنید که ده نفر، پنجاه نفر، پیش شما هست، و شما آن پنج نفر یا ده نفر یا پنجاه نفر را تعلیم می‌دهید و ممکن است که خیال کنید که این عده چیزی نیستند، دیگران کارها را انجام بدهند. ممکن است در بین همین ده نفر، همین پنجاه نفر که شما تعلیم می‌دهید، یک شخصی پیدا بشود که بعدها یک مقام عالی داشته باشد، رئیس جمهور یک مملکت بشود، نخست وزیر بشود، مراتب عالی‌هی کشور دست او بیاید. چنانچه همین یک نفری که پیش شما بوده، بعد هم رفته پیش کسان دیگر، تا رسیده به آن آخر، یک تربیت فاسدی بشود، یعنی یا تعلیمی باشد و هیچ کاری به این نداشته باشند که این باید تربیت انسانی هم بشود، یا خدای نخواستہ معلّم منحرفی باشد و این کودک از اول و بعد هم در مراتب دیگر، تحت یک تربیت انحرافی واقع بشود. ممکن است همین یک نفر، یک کشور را به باد فنا بدهد... پس شما گمان نکنید که یک بچه کاسی پیش من هست و این چیزی نیست؛ می‌رود کاسب می‌شود؛ یا یک بچه - فرض کنید - کشاورزی پیش من هست، این [را] گمان نکنید. شما فکر این را نکنید که این بچه ممکن است یک وقتی رئیس یک کشور بشود، رئیس یک ارتش بشود. آن وقت که این رئیس کشور شد، رئیس ارتش شد، کشور را به تباهی می‌کشد و ارتش را به تباهی می‌کشد».

ارائه‌ی طرح‌های سودمندی مبادرت ورزند و پیشنهادهای زیر را عملی سازند:

۱. تخصیص سرفصل‌ها و متون آموزشی اخلاقی، منطبق با شرایط خاص هر رشته‌ی علمی، به گونه‌ای که از حالت عمومی خارج و به صورت تخصصی و مفهومی در هر مقطع تحصیلی ارائه شود.
۲. تأسیس نظام تربیتی منسجمی که مبتنی بر آموزش دانش اخلاق باشد و در آن، حساب تربیت از آموزش اخلاق جدا گردد. وظیفه‌ی تربیت به همه‌ی استادان تمام دروس سپرده و در همه‌ی متون درسی، پیام‌های تربیتی متناسب با موضوعات درسی گنجانده شود.^{۲۳}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲۳. با توجه به حضور پررنگ اخلاقی حرفه‌ای در رشته‌ی اخلاق هنجاری و کاربردی و تدوین آداب و مقررات اخلاقی مربوط به بسیاری از حرف و فنون، این کار کاملاً عملی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه
۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب، اردیبهشت ۱۳۸۶ ش.
۴. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، نجف اشرف، مطبعة النعمان.
۵. کلینی، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۷. آمدی، عبدالواحد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۹ ش.
۸. سید بروجردی، جامع احادیث الشیعه، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
۹. خمینی، سید روح الله، صحیفه‌ی نور، انتشارات مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. خمینی، سید روح الله، جهاد کبیر، انتشارات مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. خمینی، سید روح الله، صحیفه‌ی نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی